

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث هلال دیشب در روزنامه کیهان ص ۶ مطلبی نوشته بود که با بحث ما مرتبط است، نمی دانم نویسنده آن چه کسی بوده علی ای حال چند مطلب در آنجا ذکر شده بود، یکی اینکه اختلاف در اول ماه باعث سردرگمی مسلمانان می شود، بعلاوه ملت‌های دیگر هم ما را مذمت می کنند که در میان مسلمانان یک چنین مسئله ای هنوز روشن نیست و باعث موضع گیری های متفاوت و اختلاف شده است، این یک مطلبی بود که خیلی از آن ابراز نگرانی شده بود. دوم اینکه مسئله استهلال و ماه یک مسئله اجتهادی و تقلیدی نیست بلکه از موضوعات است و در موضوعات هم تشخیص موضوع با خود مردم است چنانکه در سایر موضوعات هم مرجع دخالت نمی کند، مثلاً مرجع می گوید که غسل باید با آب مطلق صورت بگیرد اما بیان اینکه این آب مطلق است یا مضاف است دیگر شأن مرجع نیست و تمام موضوعات از این قبیل است، مرجع حکم را می گوید و تشخیص موضوعات موکول به عرف و مردم است بنابراین مرجع نباید دخالتی در تشخیص و تبیین موضوعات برای مردم بکند. بنابراین چون در همه جا تشخیص موضوع با عرف و مردم است در اینجا هم مسئله این است که واجب است مکلفین در روز اول رمضان روزه بگیرند و حرام است که روز عید فطر بگیرند، اما تشخیص اول رمضان و عید فطر و مسائل مربوط به هلال از موضوعات هستند و فقیه نباید در موضوعات دخالت بکند و تشخیص و تبیین این موضوعات شأن فقیه نیست. مطلب سوم اینکه استهلال اصلاً واجب نیست و در اینجا کلمات بعضی از فقها را نقل کرده و به قول خودش لازم نیست مردم استهلال کنند و در این فکر باشند که اول ماه است یا آخر ماه و اول شعبان است یا اول رمضان و یا اول شوال. مطلب دیگر این است که اگر کسی ماه را دید واجب نیست به دیگران بگوید بلکه باید هر چه که وظیفه خودش است با رؤیت هلال به آن عمل کند. خلاصه از این قبیل مطالب در روزنامه کیهان بیان شده بود و چون مردم این

روزنامه ها را می خوانند و از طرفی هم این مطالب با بحث ما مرتبط است فلذا ما باید متوجه باشیم و بدانیم که نظر فقها و روایات ما درباره این مطالب چیست. در جواب مطالبی که نقل شد ما از آخر شروع می کنیم، اما در مسئله استهلال باید عرض کنیم که از اول مردم مسلمان و متشرعه در اول رمضان برای به دست آوردن اول ماه مواظبت داشتند و بعد بالخصوص برای به دست آوردن شب عید فطر و روز عید فطر، اصلاً در یک مقطعی بود که در بین مسلمانان تفحص برای به دست آوردن آنها را لازم می دانستند فلذا ما نمی توانیم در اینجا بگوییم که مسئله رؤیت مستحب است و واجب نیست، بلکه باید بگوییم واجب است که مردم برای انجام تکلیف خود تحقیق و تفحص بکنند که مبدا به حرام بیفتند و مبدا واجب را ترک کنند، چون روزه در ماه رمضان واجب است و در عید فطر حرام است. پس این مطلب ثابت است که از اول سیره و دعو مسلمانان بر این جاری بوده که تفحص می کردند فلذا ما این را قبول نداریم که تحقیق و تفحص واجب نیست، چون بالاخره این یک حکم تکلیفی مقدمی است. اما بعد اینکه گفته شده که این مسئله اجتهادی و تقلیدی نیست، باید عرض کنیم که بعضی از مسائل هستند که ولو از موضوعات هستند اما چون درباره آنها روایاتی وجود دارد و فقهای ماهم درباره اش کار کرده اند فلذا مسئله تقلیدی به شمار می رود، مثل بحث وطن که از موضوعات است اما مثلاً اینکه در وطن نماز تمام است و یا احکام دیگر مربوط به وطن که زیاد هم می باشند اینها تقلیدی هستند، بنابراین بحث وطن و یا غنا و یا صعید در بحث تیمم و خلاصه هر موضوعی که فقهای ما در آن بحث کرده اند و لغوین هم در آن اختلاف نظر دارند، شأن فقیه است که در آن موضوعات نظر بدهد. به عنوان مثال باید عرض کنم که مثلاً در بحث وطن حضرت امام رضوان الله علیه و بسیاری از دیگر فقهای ما قصد تأیید و ابدیت را شرط دانسته اند و آن یعنی اینکه انسان قصد داشته باشد که *إلی الأبد* در آنجا بماند، اما بعض دیگر از فقها گفته اند که قصد تأیید و ابدیت لازم نیست بلکه همین قدر که انسان خود را در آنجا مسافر نبیند کافی است، زیرا مسافر است که نمازش شکسته

محمد بن احمد بن داوود ، عن محمد بن علی بن الفضل ، وعلی بن محمد بن یعقوب عن علی بن الحسن، عن معمر بن خالد ، عن معاویه بن وهب ، عن عبد الحمید الأزدی قال: قلت لأبی عبدالله (علیه السلام): أكون فی الجبل فی القرية فیها خمس مائة من الناس فقال : إذا كان كذلك فصم لصیامهم وأفطر لفطرهم: در روایت افراد مجهولی وجود دارند ولی با این حال روایت مورد عمل اصحاب بوده است ، واما در روایت آمده است که من در یک روستایی زندگی می کنم که ۵۰۰ نفر در آن ساکن می باشند، در جواب گفته شده :قال: إذا كان كذلك فصم لصیامهم وأفطر لفطرهم . در اینجا شیعی مد نظر ماست که مفید علم باشد و یکی از روایتهایی که بر شیاع دلالت دارد همین خیر است. اما خبر پنجم :وباسناده عن علی بن الحسن الفضال ، عن أبيه، عن محمد بن سنان ، عن أبي الجارود و زیاد بن المنذر العبدي قال: سمعت أبا جعفر محمد بن علی (علیه السلام) يقول: صم حين يصوم الناس ، وأفطر حين يفطر الناس، فان الله عزوجل جعل الأهله مواقیت:محمد بن سنان را ما خوب می دانیم و علاوه بر ما عده دیگری هم آن را خوب می دانند اما ابی جارود و ثاقفتش ثابت نیست . در این روایت آمده است که وقتی همه روزه گرفتند تو هم روزه بگیر و وقتی همه افطار کردند و خوردند تو هم بخور ، قطعاً این روایت بر شیاع دلالت دارد. خلاصه اخبار مذکور از این باب دلالت دارند بر اینکه شیاع هم یکی از راههای ثبوت هلال است . پس تا به حال سه راه را ما عرض کردیم : دیدن خود شخص و یا شهادت شاهد عادل بر رؤیت و یا اینکه ثبوت هلال به واسطه شیاع باشد، اما باز عرض می کنم که بحث مهم در اینجا این است که اگر رؤیت در یک نقطه ای حاصل شد آیا وحدت افق اعتبار دارد یا نه؟ که این را بحث خواهیم کرد تا اینکه مسئله روشن شود إن شاء الله.

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

است و روزه برایش واجب نیست ، حالا اگر کسی قصد اینکه تا آخر عمرش در جایی بماند را ندارد همین قدر که خود را در آنجا مسافر نبیند کافی است، و ما هم همین را اختیار کرده ایم ، بنابراین اینها موضوعاتی هستند که انسان باید از مرجع خود در آنها تقلید کند. باز به عنوان مثال عرض می کنم اینکه در بحث تیمم آمده: فتیمموا صعیداً طیباً : آیا صعید به مطلق وجه الارض اطلاق می شود یا اینکه مراد از صعید خاک است و تیمم به سنگ و ... صحیح نمی باشد و از قبیل این موضوعات. بنابراین نمی توان گفت هر چیزی که موضوع حکم است شأن فقیه نیست که در آن بحث کند. پس در نتیجه هر موضوعی که درباره آن لغویین اختلاف دارند و هر موضوعی که درباره آن روایات مختلف داریم شأن فقیه است که در آن بحث بکند. بالاخره بنده می خواهم عرض کنم که این مسئله، مسئله ای است که به روزنامه ها کشیده شده و درباره آن بحث زیاد است و اما ما در بحثمان نتیجه گرفتیم که ماه باید از محاق در بیاید و متشکل به شکل هلال بشود، منتهی شارع رؤیت را میزان قرار داده یعنی مردم باید ببینند و علم نجوم و تطنی و رأی و... کافی نیست و ما هم گفتیم که چه رؤیت خود شخص باشد و چه دو نفر شاهد عادل بگویند که دیده شده و یا اینکه شیاع باشد که البته درباره شیاع امروز بحث خواهیم کرد. بحث دیگر این است که حالا رؤیت شما ، یا شهادت دو شاهد عادل به رؤیت و یا تحصیل شیاع هر کدام که باشد آیا اختلاف افق در اینجا تأثیر دارد یا نه؟ یعنی فقط برای جاهایی که وحدت افق دارند هلال ماه ثابت است یا اینکه نه برای تمام سکنه کره زمین ثابت است. به نظر ما اختلاف افق مؤثر نیست و اگر ثابت شد که تشکل به شکل هلال حاصل شده و از محاق خارج شده در این صورت برای نصف سکنه کره زمین که در شب باهم مشترک هستند اول ماه ثابت است. اما بحث خودمان؛ در کتاب وسائل الشیعه در باب ۱۲ درباره شیاع بحث کرده، ما دیدن خود شخص و دیدن شاهدان عدلین را بیان ردیم و اما در مورد شیاع امروز بحث می کنیم . اخبار ۴ و ۵ و ۶ و ۷ از باب ۱۲ ص ۲۱۱ از جلد ۷ و مسائل ۲۰ جلدی مربوط به شیاع می باشند . اما خبر چهارم : وباسناده عن